

روش‌شناسی ترجمه‌ی تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم

علی حاجی‌خانی^{۱*}، توحید پاشائی^۲

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

ali.hajikhani@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۱۴

چکیده:

قرآن کریم به زبان عربی و برای هدایت جن و انس نازل شد. لازمه‌ی هدایت، فهم آیات است. بی‌تردید در ترجمه‌ی آیات قرآن به دلیل وجود ظرایف و دقایق مختلف صرفی و نحوی و بلاغی و... دشواری‌های متعددی پیش‌روی مترجمان زبان وحی هست؛ از جمله‌ی این موضوعات، رعایت مقوله‌ی «تضمین» است که در قرآن، فراوان به کار رفته است. البته این واژه، اطلاق‌ات گوناگونی دارد که منظور در این مجال، تضمین نحوی است. فایده‌ی عمده‌ی تضمین، اداکردن یک لفظ، در معنای دو کلمه است. این جستار درصدد بررسی معنای دقیق تضمین و مسائل مربوط به آن و نیز بررسی آن در شاخص‌ترین ترجمه‌های معاصر و بایسته‌های ترجمه‌ی آن در قرآن کریم است. افزون بر این، پژوهش حاضر درصدد شناسایی موفق‌ترین روش ترجمه‌ی تضمین نحوی نیز است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، تضمین، حقیقت و مجاز، قرآن.

۱. مقدمه

قرآن کریم برای هدایت جن و انس به سوی کمال و سعادت نازل شد. زبان این کتاب، عربی است؛ لذا فهم آن برای کسانی که عرب‌زبان نیستند، امکان ندارد؛ مگر آنکه توسط مترجمان توانمند و دانا ترجمه شود. از آنجایی که عربی از کامل‌ترین زبان‌های دنیاست و دقایق فراوانی دارد، ترجمه‌ی آن کار دشواری است و اگر مترجم به این ظرایف دقت نکند، بی‌گمان ترجمه‌ای نارسا و چه بسا آکنده از خطا انجام دهد؛ از این‌رو آگاهی از علوم ادبی از جمله صرف و

نحو از بایسته‌های ترجمه‌ی هر متن عربی، به‌ویژه، قرآن کریم است.

یکی از موضوعات مهم در علم نحو، مقوله‌ی «تضمین» است که ادیبان از دیرباز در کتب مربوط به این علم به آن پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه در دوران معاصر به‌دلیل فاصله‌گرفتن از محتوای غنی کتب متقدمان، به این موضوع پراهمیت در محافل علمی- ادبی و دانشگاهی کمتر پرداخته می‌شود و آثار این غفلت یا کم‌توجهی در ترجمه‌های قرآن کریم، به‌ویژه ترجمه‌های معاصر، هویداست و گاهی موجب اشتباهات آشکاری در ترجمه شده است. مقاله‌ی پیش‌رو در پی بررسی این موضوع مهم در ادبیات عربی، کتاب آسمانی و بایسته‌های ترجمه‌ی آن در قرآن است.

در میان پیشینیان، نخستین کسی که این موضوع را در بابی جدا مطرح کرد، ابوالفتح ابن جنی (م ۳۹۲ق) است. وی در کتاب خود چنین آورده است:

این بابی است که مردم آن را ساده و پیش‌پاافتاده می‌انگارند و چقدر دور از حقیقت هستند! (ابن جنی، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۹۱)

در دوران معاصر، نخستین بار، محمدهادی شفیق آملی در مجله‌ی وزین بینات در پاییز سال ۱۳۷۴م مقاله‌ی مختصری را در این خصوص مطرح کرد که پس از آن حسین استادولی در شماره‌ی دیگر همان مجله به نقد آن پرداخته و نکاتی را یادآور شد. عمده‌ی موارد نقد استادولی، تعریف نادرست از واژه‌ی تضمین است؛ به‌گونه‌ای که وی معتقد است که تضمین، گنجاندن معنایی در ضمن معنایی دیگر است نه نشان دادن معنایی به‌جای معنای دیگر. (استادولی، ۱۳۷۴: ۱۴۴) و از طرف دیگر، ایشان معتقد است که نگارنده‌ی مقاله‌ی یادشده، به‌دلیل اشتباه در تعریف فعل تضمین شده، در ترجمه‌ی آیات نیز دچار اشتباه شده است. (همان، ۱۴۵) پوشیده نماند که درباره‌ی این موضوع، پایان‌نامه‌ای درخور، تدوین نشده است.

۲. آرای دانشمندان درباره‌ی تضمین

دانشمندان در تعریف تضمین، نظرات گوناگونی دارند. برخی برآنند که معنای فعلی، جایگزین فعلی دیگر می‌شود و معنای آن را ادا می‌کند. زرکشی (م ۷۹۴ق) در تعریف تضمین می‌گوید:

تضمین یعنی معنای یک چیز را به چیز دیگر دادن که این امر یا در اسم‌ها و یا در فعل‌ها و

یا در حرف‌ها روی می‌دهد... وی در ادامه، تصریح می‌کند که برجسته‌ترین ویژگی تضمین، این است که یک کلمه (اسم یا فعل یا حرف) می‌تواند در بردارنده‌ی دو معنا باشد. (زرکشی، بی-تا، ج ۳: ۳۳۸)

ابوالبقاء (م ۱۰۹۴ق) تضمین را این‌گونه تعریف کرده است: «تضمین، عبارت است از آمیختن معنای یک فعل در فعل دیگر به گونه‌ای که فعلی جایگزین معنای فعل دیگری گردد؛ به عبارت دیگر، تضمین آن است که یک کلمه بدون داشتن قرینه‌ی لفظی، رساننده‌ی معنای دیگری باشد.» (ابوالبقاء: ۲۶۶)

در همین راستا ابن هشام در تعریفی کوتاه‌تر می‌گوید: «گاهی معنای لفظی را در لفظ دیگر اشراب نموده (می‌آمیزند) و حکم آن را به آن می‌دهند که این امر، تضمین نامیده می‌شود. تعبیر ظریف و دقیق «اشراب» بر این امر دلالت دارد که معنای یک کلمه در معنای دیگر نوشانیده می‌شود. فایده‌ی تضمین این است که یک کلمه، معنای دو کلمه را ادا می‌کند.» (ابن هشام، ۱۳۷۸ش، ج ۲: ۸۹۷)

بنابراین تضمین به این معنا نیست که ما دست از معنای اصلی فعل بشوییم و تنها به معنای دوم، بسنده کنیم، بلکه باید معنایی را لحاظ کنیم که جامع هر دو فعل باشد؛ همان‌گونه که این اشتباه در تعریف تضمین، در مقاله‌ی آقای شفیق وارد شده است. (شفیق آملی، ۱۳۷۴: ۷۳)

با بررسی پیشینه‌ی تضمین آشکار می‌گردد که این اصطلاح بدین معنا از قرن هشتم به‌کار رفته و در قرون پیش از آن به معنای «الحمل علی المعنی» استفاده می‌شد. (الاخفش، ج ۲، ۱۴۱۱ق: ۴۵۱؛ ابن السجری، بی‌تا، ج ۱: ۲۲۳)

۲-۱. ذکر چند نکته در باب تضمین

۲-۱-۱. فایده‌ی تضمین چیست؟

معنای تضمینی اگر متعدی باشد، کلمه‌ی اصلی را که لازم بوده، متعدی می‌کند و نیز متناسب با حرف جری که با فعل اصلی آمده، عمل می‌کند؛ بنابراین فایده‌ی مهم تضمین، متعدی‌کردن فعل لازم و یا متعدی‌کردن فعل یک‌مفعولی به دومفعولی است که به تناسب معنای تضمینی با حرف جر خاصی به‌کار برده می‌شود که احراز این امر، نیازمند احاطه کافی به علم نحو است. در همین راستا گفتنی است یکی از راه‌های شناخت تضمین، دقت در حرفی است که با فعل

آمده است که اگر متناسب با کاربرد آن فعل نبود، تضمینی در فعل محتمل است؛ برای نمونه برخی از ادیبان در جاهایی که فعل «یؤمن» و مشتقاتش در قرآن با حرف «باء» به کار رفته، آن را متضمن معنای «اعترف» دانسته‌اند. (رک: سمین حلبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۹۲) نکته‌ی دیگر این است که دو معنا باید با هم متفاوت باشند؛ پس شامل این مثال: «أحسن بی آی لطف» نمی‌شود؛ زیرا لطف و احسان، یکسان هستند. (الدسوقی، ۱۴۲۸ق، ج ۳: ۵۳۰)

۲-۱-۲. آیا تضمین، حقیقت است یا مجاز؟

نخست باید گفت الفاظ در زبان عربی، معانی حقیقی و مجازی دارند. معنایی که یک لفظ برای آن وضع شده است، معنای وضعی یا حقیقی و استعمال آن لفظ در آن معنا استعمال حقیقی است و معنایی که لفظ برای آن وضع نشده، بلکه به تناسب و قرینه‌ی لفظ در آن معنا به کار رفته است، معنای مجازی و استعمال لفظ در آن معنا استعمال مجازی خواهد بود. (رک: تفتازانی، ۱۳۸۴ش: ۳۳۱-۳۳۷) زرکشی تضمین را نوعی از مجاز دانسته است؛ زیرا لفظ برای حقیقت و مجاز باهم، وضع نشده، همان‌طور که تضمین این‌گونه است، و جمع میان آن دو مجازی ویژه است که آن را برای فرق با مجاز مطلق، تضمین می‌نامند. (همان، ۱۳۳۹) برخی از محققان معاصر، تضمین را حقیقت می‌دانند؛ چون اراده‌ی معنایی همراه معنای اصلی است؛ نهایت، اینکه تضمین شباهتی به مجاز دارد از جهت لزوم تناسب میان دو معنا و نیاز به قرینه. (حسینی طهرانی، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۲۶۴)

۲-۱-۳. آیا استعمال لفظ در بیش از یک معنا جایز است؟

پاسخ، آن است که این مطلب، یکی از مباحث مفصل علم اصول فقه است که پرداختن به چند و چون آن در این مقاله نمی‌گنجد؛ به‌رحال به اختصار باید گفت که این موضوع، محل اختلاف است؛ اما با این حال، بسیاری از محققان معاصر، آن را جایز می‌دانند؛ (رک: حسینی طهرانی، همان؛ السبحانی، ۱۳۸۱ش، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۶؛ الحائری الیزدی، ۱۴۱۸ق: ۵۵-۵۸) از این‌رو تضمین نیز که یکی از مصادیق این موضوع است، جایز است.

۲-۱-۴. آیا کاربرد تضمین، قیاسی است یا سماعی؟

پاسخ، این است که با وجود این‌که برخی از ادیبان گذشته، آن را سماعی دانسته‌اند (ابوالقاء: ۲۶۶)، اما با این‌حال، برخی از ادبای قدیم (سمین حلبی، همان، ج ۳: ۳۶۳) و نیز اغلب دانشمندان معاصر، آن را به سه شرط قیاسی می‌دانند: ۱. وجود تناسب میان دو فعل (یا اسم یا حرف)؛ ۲. وجود قرینه‌ای که دلالت بر ملاحظه‌ی فعل دیگر کند و از ابهام جلوگیری نماید؛ ۳. سازگاری تضمین با ذوق عربی. (حسن، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۲؛ الحسینی الطهرانی، همان) اگرچه برخی از محققان معاصر در این شرایط و در اصل وجود تضمین، مناقشه کرده و برآنند که به دلیل وجود مجاز، که راه را برای به‌کارگیری لفظ در معانی مختلف و در اغراض گوناگون باز کرده است، از استشهاد به تضمین در دوران حاضر بی‌نیازیم. (حسن، همان: ۵۵۳) اما از آنجایی که متن پیش‌روی ما قرآن کریم است و تضمین در متون کهن، از جمله قرآن به کار رفته است، از این‌رو اشکال یادشده محل اعتنا نیست. ضمن اینکه اگر به سخن ابن جنی، از بزرگ‌ترین ادیبان مسلمان و استاد شریف رضی دقت کنیم که مدعی است اگر تضمین‌های قرآن را جمع کنیم، صدها کتاب می‌شود- این سخن را ابن هشام به نقل از ابن جنی در کتاب «التمام» آورده است- ولی در نسخه‌ی تحقیقی این کتاب که چاپ شده (به تحقیق احمد القیسی، خدیجه الحدیثی و احمد مطلوب، ۱۳۸۱ق) به چشم نمی‌خورد و این بر ناقص بودن نسخه‌ی فعلی دلالت دارد یا ابن هشام آن را از کتاب دیگری از ابن جنی نقل کرده و به اشتباه نام «التمام» را ذکر کرده است که به اهمیت والای این بحث پی خواهیم برد.

۲-۱-۵. تفاوت میان تضمین نحوی و بلاغی چیست؟

در علم بدیع که از علوم بلاغی است، صنعتی به نام «تضمین» وجود دارد که با موضوع مورد بحث ما بیگانه است و معنای دیگر دارد. (نک: تفتازانی، همان: ۵۰۱) تضمین اطلاقات دیگری نیز دارد که به موضوع ما ربط ندارد. (رک: سیوطی، ج ۲، ۱۴۲۱ق: ۱۶۹)

۳. روش‌های ترجمه

پیش از بررسی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم در خصوص تضمین نحوی، ضروری است به-

طور مختصر روش‌های ترجمه‌ی قرآن را توضیح داده تا آنگاه از میان این روش‌ها موفق‌ترین روش ترجمه را درخصوص موضوع این تحقیق شناسایی کنیم.

۳-۱. تحت‌اللفظی

هدف اصلی در این نوع ترجمه، انتقال معنای واژه‌های زبان مبدأ به زبان مقصد، در صورت و قالبی مشابه صورت و قالب زبان مبدأ است. واحد ترجمه در این روش، ترجمه‌ی تک‌واژ و گاه، واژه است.

۳-۲. امین (وفادار)

هدف مترجم در این شیوه، انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به انضمام رعایت ساختارهای ادبی و بلاغی به ساختارهای معیار زبان مقصد است. واحد ترجمه با هدف ترجمه‌ی معادل از تک‌واژ تا جمله، متغیر است.

۳-۳. معنایی

هدف ترجمه، انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به زبان معیار متن مقصد است. پایبندی به ساختارهای ادبی و بلاغی متن مبدأ بسان ترجمه‌ی امین نیست. واحد ترجمه، اغلب جمله است.

۳-۴. تفسیری

در این شیوه، مترجم برداشت تفسیری خود را در داخل قلاب یا پرانتز در ترجمه بیان می‌کند. واحد ترجمه، معمولاً جمله است.

۳-۵. آزاد

مترجم، خود را مقید به انتقال دقیق محتوای متن مورد نظر نمی‌داند؛ بلکه به تناسب، محتوا را کم یا زیاد می‌کند. واحد ترجمه، اغلب یک یا چند جمله یا یک بند است. (رک: جواهری،

هریک از روش‌های فوق، نمونه‌های متعددی در ترجمه‌های معاصر دارند که بی‌شک، بررسی همه‌ی آن‌ها در قالب یک مقاله نمی‌گنجد؛ لذا از هر روش، نماینده‌ای شاخص به شرح ذیل انتخاب شده است تا بررسی و نقد شود: ۱. ترجمه‌ی تحت‌اللفظی: معزی؛ ۲. ترجمه‌ی وفادار: فولادوند؛ ۳. ترجمه‌ی معنایی: آیتی؛ ۴. ترجمه‌ی تفسیری: الهی قمشه‌ای؛ ۵. ترجمه‌ی آزاد: صفارزاده.

۴. انواع تضمین در قرآن

همان‌طور که پیش از این بیان شد، تضمین در هر سه نوع کلمه به‌کار رفته است که در ادامه به بررسی هر کدام با ذکر برخی آیات مربوطه و بررسی ترجمه‌های معاصر آن می‌پردازیم.

۴-۱. تضمین در اسم

تضمین در اسم یعنی اینکه در معنای حقیقی و وضعی اسم، تصرف و معنای دیگری متناسب با جمله در آن اشراب کنیم. این مطلب در بررسی نمونه‌ها بیشتر روشن می‌شود.

۴-۱-۱. بقره: ۱۸۷ (أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ)

ارزیابی ادبی

خود کلمه‌ی «الرفث» در کهن‌ترین لغت‌نامه‌ی عرب به‌معنای جماع آمده است. (فراهیدی، ۱۳۷۵ش، ج: ۱: ۶۹۵) در این آیه، کلمه‌ی «الرفث» با حرف «الی» آمده است؛ حال آن‌که در اصل با حرف «باء» می‌آید؛ از این رو متضمن معنای افشاء که در لغت به‌معنای خلوت کردن با دیگری که در اینجا خلوت مرد با همسر است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق: ۶۳۹) و برخی از لغویان نیز برآند که افشاء این است که مرد با زن خلوت کند خواه با او درآمیزد، خواه نیامیزد (الطریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۱: ۳۳۱) و نیز به‌معنای خالی و رها بودن از قید است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج: ۹: ۱۱۱)؛ لذا متعدی به «الی» شده است؛ مانند آیه‌ی (وَ قَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ) (نساء: ۲۱؛ ابن هشام، همان: ۸۹۸؛ راغب اصفهانی، همان: ۳۶۰)

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: برای شما در شب‌های ماه رمضان مباشرت با زنان حلال شد.
 آیتی: هم‌بستری با زنان‌تان در شب ماه روزه بر شما حلال شد.
 معزی: حلال شد برای شما شب روزه درآمیختن با زنان خود.
 فولادوند: در شب‌های روزه، هم‌خوابگی با زنان‌تان بر شما حلال گردیده است.
 صفارزاده: آمیزش جسمانی با همسران‌تان در شب‌های ماه رمضان بر شما حلال مقرر شده است.

ارزیابی ترجمه‌ها

ملاحظه می‌شود که در ترجمه‌ها تنها به معنای وضعی «الرفث» توجه شده و معنای تضمینی ذکر نشده است. آقایان الهی قمشه‌ای «مباشرت»، آیتی «هم‌بستری»، معزی «درآمیختن»، فولادوند «هم‌خوابگی» و خانم صفارزاده «آمیزش جسمانی» را برای ترجمه‌ی کلمه‌ی «الرفث» به‌کار برده‌اند؛ درحالی‌که این‌ها همه، معانی وضعی و نخستین کلمه است و معنای تضمینی که بیان شد، در ترجمه‌ها قید نشده است.

ترجمه‌ی پیشنهادی: در شب روزه‌داری، برایتان خلوت کردن و آمیزش با زنان‌تان حلال شد.

۴-۱-۲. اعراف: ۱۰۵: (حَقِيقٌ عَلٰی اَنْ لَا اَقُوْلَ عَلٰی اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ)

ارزیابی ادبی

کلمه‌ی «حقیق» در لغت به معنای اسم مفعولی؛ محقوق، آمده است. (فراهیدی، همان، ج ۱: ۴۰۷) زرکشی بر آن است که در کلمه‌ی «حقیق» معنای «حریص» تضمین شده است تا دلالت کند که رسول، شایسته‌ی گفتار حق و راغب و مشتاق آن است. (زرکشی، همان، ج ۳: ۳۳۸) و زمخشری و بیضاوی نیز این وجه را آورده‌اند. (زمخشری، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۱؛ بیضاوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۵۶۲) بنابراین معنای کلمه‌ی حقیق بنا بر اقتضای جمله در معنای کلمه‌ی حریص در آیه‌ی شریفه، تضمین شده است و این به معنای دست‌شستن از معنای حریص نیست؛ بلکه در آیه، هردو قابل افاده است. مؤید این مطلب، دیدگاه زرکشی و زمخشری از مفسران و ادبای بزرگ ادب عربی است. (زرکشی، همان، ج ۳: ۳۳۸؛ زمخشری، همان، ج ۲: ۱۰۱)

ترجمه‌ها

معزی: سزاوارم بر آنکه نگویم بر خدا جز حق را همانا آوردم.
الهی قمشه‌ای: سزاوار آنم که از طرف خدا چیزی جز به حق نگویم.
آیتی: شایسته است که درباره‌ی خدا جز به راستی سخن نگویم.
فولادوند: شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم.
صفارزاده: شایسته است که درباره‌ی خداوند جز به حق سخن نگویم.

ارزیابی ترجمه‌ها

ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از ترجمه‌ها معنای تضمینی را نرسانده است، بلکه همه، تنها به معنای نخستین و وضعی «حقیق» توجه کرده‌اند؛ آقایان معزی و الهی قمشه‌ای «سزاوار» و دیگران «شایسته» ترجمه کرده‌اند و این‌ها هیچ‌کدام معنای تضمینی را منتقل نمی‌کند. مضاف بر اینکه در میان ترجمه‌ها، تنها ترجمه‌ی معزی و الهی است که «حقیق» را به‌عنوان خبر *إِنَّ* آیه‌ی *قَبْلِ (وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ)* ترجمه کرده است؛ این در حالی است که دیگر ترجمه‌ها عنایتی به این امر مهم و اثرگذار در ترجمه نداشته‌اند.
ترجمه‌ی پیشنهادی: مشتاق و سزاوار آنم که درباره‌ی خدا جز حق نگویم.

۴-۲. تضمین فعل

بیشتر موارد تضمین درخصوص فعل است که در این زمینه، نمونه‌هایی را بررسی می‌کنیم.

۴-۲-۱. بقره: ۲۲۰: (وَاللَّهُ يَغْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ)

ارزیابی ادبی

در این آیه از آنجایی که فعل «یعلم» با «من» آمده و متعدی شده، فعل متضمن معنای فعل «یميز» به معنای «جدا می‌کند و مشخص می‌نماید»، است. (ابن هشام، همان؛ ابی حیان الاندلسی، ج ۲: ۱۷۲؛ الدرویش، ج ۱: ۲۸۸؛ صافی، ج ۱: ۴۵۶) بنابراین در اینجا باید در ترجمه، لفظی آوریم که معنای هردو را ادا کند؛ اما با بررسی ترجمه‌ها درمی‌یابیم که چندان توجهی به این مطلب نشده است. لازم به ذکر است ملاک برای ما در درجه‌ی نخست، معنای وضعی کلمه‌ی «یعلم» است که به-

معنای دانستن است؛ اما معنای تمیز و جداکردن چیزی است که به واسطه‌ی تضمین دانسته می‌شود که البته نه تنها با معنای حقیقی یعلم، که دانستن باشد، تنافی ندارد، با او جمع می‌شود و این همان است که در تضمین به آن توجه می‌شود و ویژگی اصلی تضمین است.

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: و خدا تبهکار را از مصلح بازمی‌شناسد.

آیتی: خداوند تبهکار را از نیکوکار بازمی‌شناسد.

معزی: و خدا می‌شناسد تبهکار را از کارساز.

فولادوند: و خدا تباهکار را از درست‌کار بازمی‌شناسد.

صفارزاده: خداوند فاسد را از صالح بازمی‌شناسد.

ارزیابی ترجمه‌ها

روشن است که ضمن اینکه ترجمه‌ها تقریباً یکسان‌اند (آقای معزی «می‌شناسد» و دیگران «بازمی‌شناسد»)، معنایی ارائه دادند که ظاهراً از معانی وضعی «یعلم» نیست؛ بنابراین نه تنها به تضمین توجهی نشده، معنای حقیقی هم به‌خوبی بیان نشده است؛ زیرا معنای حقیقی «یعلم» نقیض نادانی است. (فراهیدی، ج ۲: ۱۲۷۴) افزون بر این، تمامی ترجمه‌ها فعل یادشده را به‌گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که در تعارض با علم مطلق الهی است؛ لذا مترجم باید در ترجمه‌ی این آیه به بحث کلامی علم مطلق الهی آگاه بوده و به‌جای کلماتی از قبیل (شناختن و یا بازشناختن) از واژگانی مانند (معلوم داشتن و یا جداکردن) استفاده کند.

ترجمه‌ی پیشنهادی: خداوند تبهکار را از درستکار معلوم داشته و جدا می‌کند.

۴-۲-۲. الانسان: ۶: (عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ)

ارزیابی ادبی

در این آیه، فعل «یشرب» یعنی نوشیدن، متضمن معنای «یروی» یعنی سیراب‌شدن است؛ زیرا «یشرب» با حرف «باء» متعدی نمی‌شود (زرکشی، همان: ۳۳۸) پس آیه درصدد بیان این مطلب است که عبادالله هم می‌نوشند و هم سیراب می‌شوند.

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: از سرچشمه‌ی گوارای آن بندگان خاص خدا می‌نوشند.
آیتی: چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند.
معزی: چشمه‌ای که نوشند از آن بندگان خدا.
فولادوند: چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند.
سفارزاده: چشمه‌ی آب گوارایی است در بهشت که بندگان نیکوکردار خاص از آن می‌نوشند.

ارزیابی ترجمه‌ها

پوشیده نیست که در ترجمه‌ها تنها معنای حقیقی و وضعی «یشرب» بیان شده و به معنای تضمینی توجهی نشده است. همه‌ی مترجمان در ترجمه «می‌نوشند» آورده‌اند؛ غیر از آقای معزی که «نوشند» را بیان کرده و صورت ادبی همان کلمه با حفظ معناست. این تنها معنای نخستین فعل است و معنای تضمینی را منتقل نمی‌کند.
ترجمه‌ی پیشنهادی: چشمه‌ای که بندگان خدا از آن نوشیده و سیراب می‌شوند.

۴-۲-۳. نساء: ۲: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ)

ارزیابی ادبی

در این آیه، فعل «لَا تَأْكُلُوا» متضمن معنای «لَا تَضْمُوا» است. (الدرویش، همان، ج ۱: ۶۳۱؛ صافی، همان، ج ۲: ۴۱۳؛ الحسینی الطهرانی، همان: ۲۶۰ و نیز رک: ندیم فاضل، ج ۱: ۲۲۰-۲۲۱) در آیه‌ی دیگری از همان سوره می‌فرماید: (وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء: ۶) یعنی قییم و سرپرست یتیم بدون اسراف می‌تواند از مال یتیم بخورد به خاطر عهده‌داری امور یتیم. (حسینی طهرانی، همان: ۶۲۱) بنابراین آیه‌ی مورد بحث درصدد بیان نهی مطلق از خوردن نیست، بلکه ضمیمه کردن دارایی یتیم، نهی شده است. حال در ترجمه‌ها می‌نگریم که آیا به چنین نکته‌ای توجه شده است؟

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: و اموال آنان را به ضمیمه‌ی اموال خود نخورید.
آیتی: و اموال آن‌ها را همراه با اموال خویش نخورید.

معزی: نخورید اموال آنان را با اموال خویش.

فولادوند: و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید.

صفارزاده: و اموال آن‌ها را با اموال خود درنیامیزید و مصرف نکنید.

ارزیابی ترجمه‌ها

می‌بینیم که مترجمان، کمابیش به این نکته توجه کرده و در ترجمه لحاظ کرده‌اند و بهترین ترجمه، که ترجمه‌ی مختار نیز هست، ترجمه‌ی آقای الهی قمشه‌ای است. ایشان هم معنای نخستین و هم معنای تضمینی را در ترجمه‌ی خود لحاظ کرده‌اند.

۴-۲-۴. نور: ۶۳: (فَلْيُخَذِرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ)

ارزیابی ادبی

معنای وضعی فعل «يُخَالِفُونَ» این است که هرکسی در حال خود یا گفتار، راهی رود غیر از راه شخص دیگر. (راغب اصفهانی: ۲۹۴)

در این آیه، خود فعل «يُخَالِفُونَ» یا متعدی بنفسه است یا با «الی» می‌آید؛ درحالی‌که با حرف «عن» آمده است؛ بنابراین متضمن معنای «يُعْرِضُونَ» (= روی گردانند) یا «صَدَّ» (= جلوگیری کردند) است. (ابی حیان الاندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۶: ۴۳۷؛ بهجت، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ۸۹؛ الدرویش، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۳۲۳) مرحوم شیخ طوسی بدون اینکه به تضمین تصریح کند، «يُخَالِفُونَ» را به معنای «يُعْرِضُونَ» گرفته است. (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۶۶) و زمخشری نیز به همین ترتیب به معنای «يُصَدُّونَ» گرفته است. (زمخشری، همان، ج ۳: ۷۹) یعنی از امر خدا رویگردانند یا مانع امر او می‌شوند.

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند و از آن روی می‌گردانند بترسند. آیتی: آنان که از فرمان او سرپیچی می‌کنند باید بترسند.

معزی: پس باید بترسند آنان که سرپیچند از فرمانش.

فولادوند: پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند.

صفارزاده: پس کسانی که خلاف دستور پیامبر عمل می‌کنند باید بدانند....

ارزیابی ترجمه‌ها

غیر از آقای الهی قمشه‌ای، دیگر مترجمان، تنها بخشی از معنا را آورده‌اند. آقای فولادوند معادل عربی آن را آورده، که ترجمه‌ی ضعیف‌تری است، آقایان آیتی و معزی در ترجمه از تعبیر سرپیچی استفاده کرده‌اند و خانم صفارزاده نیز با ترجمه‌ی آزاد، فعل (فلیحذر) را به (باید بدانند) ترجمه کرده است. به‌هرحال معنای تضمینی در هیچ‌یک از ترجمه‌ها ادا نشده و تنها در ترجمه‌ی آقای الهی قمشه‌ای به این امر، توجه شده است.

ترجمه‌ی برگزیده:

با توجه به توضیحات مذکور، ترجمه‌ی آقای الهی قمشه‌ای ترجمه‌ی برگزیده است.

۴-۳. تضمین حرفی

در این‌که آیا در حرف هم تضمین صورت می‌گیرد، اختلاف است و ممکن است برخی به اشتباه این را با جایگزینی یک حرف با حرف دیگر یکسان بدانند؛ جایگزینی یک حرف به‌جای دیگری در عربی بسیار رخ داده است و نمونه‌های فراوان آن را می‌توان با مطالعه‌ی باب نخست کتاب مغنی اللیب مشاهده کرد؛ مثلاً کلمه‌ی «أن» در این آیه: (بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم) (ق: ۲) به‌معنای «إذ» آمده است. (ابن هشام، همان، ج: ۱: ۵۵) اما در موضوع مورد بحث، منظور این است که معنای حرفی در حرف دیگر داخل و با آن متحد شود. اگرچه باید اذعان کرد در جایی که امر دایر شود، میان تضمین در فعل یا تضمین در حرف در این‌که کدام مقدم است، اختلاف است؛ عده‌ای از لغویان و نحویان، حرف را مقدم و برخی برآن‌اند که تضمین در فعل، مقدم است؛ به‌دلیل اینکه توسعه در افعال بیشتر است. (زرکشی، همان: ۳۳۸) لذا به‌سبب ضرورت اعتنا به واقعیت این اختلاف، در این مقاله، تضمین در حرف، به‌صورت قسمی جدا آورده شد.

در ذیل به بررسی دو نمونه از آیاتی می‌پردازیم که تضمین نحوی در آن به‌کار رفته است:

۴-۳-۱. صف: ۱۴: (مَنْ أَنْصَارِي إِيَّالِي اللَّهُ)

ارزیابی ادبی

در این آیه «الی» به‌معنای مع الله است؛ (ابن جنی، همان، ج: ۲: ۹۲ و ۶۶) یعنی معنای همراهی و

معیت در کلمه‌ی «الی» اشراب شده است؛ نه اینکه «الی» در لغت به معنای «مع» باشد؛ گویی حضرت عیسی فرموده است: «من انصاری منضمین إلی الله» یا براساس تفسیری دیگر «مَنْ يَنْصُرُنِي وَ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِنَصْرِي» و منظور این‌که یاری کردن حضرت بدون نزدیکی به خدا پوچ است. (حسینی طهرانی، همان، ج ۲: ۲۶۲)

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: کیست مرا برای خدا یاری کند؟
 آیتی: چه کسانی یاوران من در راه خدایند؟
 معزی: کیست یاوران من بسوی خدا؟
 فولادوند: یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟
 صفارزاده: چه کسانی مرا در راه دین خدا یاری خواهند کرد؟

ارزیابی ترجمه‌ها

با دقت در ترجمه‌ها می‌بینیم که هیچ‌کدام از ترجمه‌ها، معنای تضمینی را منتقل نکرده است. آقای الهی «برای خدا»، آیتی و فولادوند «در راه خدا»، معزی «بسوی خدا» و صفارزاده «در راه دین خدا» معنا کرده‌اند. این‌ها بخشی از ترجمه را می‌رسانند؛ نه همه‌ی معنا را که تضمین هم جزئی از آن است. شایان ذکر است که (من) در این آیه، مبتدا بوده و (انصاری) خبر است. چنانچه در ادامه‌ی آیه، عبارت (قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ) بیانگر این است که مورد استفهام، مبتداست، نه خبر. این در حالی است که آقای فولادوند (من) را به اشتباه خبر و (انصاری) را مبتدا ترجمه کرده و مورد استفهام را خبر، قلمداد کرده است.

ترجمه‌ی پیشنهادی: در همراهی با خدا چه کسانی یاوران من هستند؟

۴-۳-۲. اعراف: ۴۳: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ)

ارزیابی ادبی

فعل «هدی» معمولاً با حرف «الی» به کار می‌رود که به معنای هدایت می‌کند به (سوی) است؛ در این آیه‌ی شریفه، لام جار، که با فعل «هدی» آمده است، به معنای «الی» است. (ابن السجری، بی تا، ج ۲: ۶۱۵؛ مالقی، بی تا: ۲۲۲) تصریح شده که این امر، قیاسی است. (مالقی، همان) در برخی

آیات، استعمال فعل «هدی» با «لام» و «الی» با هم آمده است. (قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ...) (یونس: ۳۵) در اینجا فعل «هدی» معنای وضعی هدایت را دارد و تضمین در حرف «لام» صورت می‌گیرد. حال، فرق میان یهدی للحق با الی الحق می‌تواند این باشد که در اولی هدایت از نوع ایصال به مطلوب صورت گرفته و حق به‌عنوان یک هدف در دسترس قرار دارد؛ ولی در دومی در راه هدف قرار دارد و به‌سوی آن در هدایت است. البته ناگفته نماند که در اینجا تصرف در حرف کردیم نه فعل، در غیر این‌صورت به‌معنای «وَقَفْنَا: به ما توفیق داد» می‌بود؛ همان‌گونه که برخی مفسران بر این مطلب تأکید داشته‌اند. (زمخشری، همان، ج ۲: ۷۹)

ترجمه‌ها

الهی قمشه‌ای: ستایش خدای را که ما را بر این مقام رهنمایی کرد که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه نمی‌یافتیم

آیتی: سپاس خدایی را که ما را بدین راه، رهبری کرده و اگر ما را رهبری نکرده بود، راه خویش نمی‌یافتیم.

معزی: سپاس خداوندی را که ما را بدین هدایت نمود و نبودیم هدایت یابیم اگر نه هدایت می‌کرد ما را خدا.

فولادوند: ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود، و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم.

صفارزاده: شکر و ثنا [ی بندگان] خاص خداوند است که ما را به این جایگاه پر نعمت هدایت فرمود و اگر خداوند هدایت‌مان نفرموده بود، هرگز هدایت نمی‌یافتیم.

ارزیابی ترجمه‌ها

در ترجمه‌ی این قسمت از آیه به‌طوری که تضمین را هم برساند اگر «به» یا «به سوی» ترجمه کنیم، مطلب ادا نمی‌شود و گویا در آیه «الی» بوده است؛ بنابراین اگر از کلمه‌ی «برای» یا «به هدف» استفاده کنیم، بهتر است. در ترجمه‌ی فعل هدی، همه‌ی مترجمان یادشده حرف لام را به‌معنای (إلی) ترجمه کرده‌اند. در این میان، الهی قمشه‌ای در ترجمه‌ی حرف (لام) از «بر این مقام» استفاده کرده است که به‌نظر می‌رسد ترجمه‌ی ایشان می‌تواند تا اندازه‌ای معنای تضمینی (لام) را برساند.

ترجمه‌ی برگزیده: با توضیحات بالا اگر در ترجمه‌ی آقای الهی قمش‌ای به جای «بر» از «برای» در ترجمه استفاده کنیم، ترجمه بهتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

این مقاله به نتایج ذیل دست یافته است:

- یکی از موضوعات مهم در علم نحو، تضمین است که عبارت است از آمیختن معنای یک لفظ در لفظی دیگر به طوری که دو معنا باهم ادا شود.
- تضمین در اسم، فعل و حرف صورت می‌گیرد و با حفظ شرایطی قیاسی است نه سماعی.
- استعمال لفظ در بیش از یک معنا جایز است و تضمین، حقیقت است نه مجاز.
- آنچه ما باید در ترجمه‌ی موارد تضمین در قرآن لحاظ کنیم، آن است که کلمه‌ای را بیاوریم که حتی الامکان معنای دو لفظ را ادا کند؛ از آنجایی که در فارسی لزوماً به دلیل ضیق لفظ امکان چنین چیزی وجود ندارد، در چنین مواردی معنای هر دو کلمه را باهم بیاوریم تا عملاً به این قاعده عمل کرده باشیم. ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، اغلب به این موضوع توجه نکرده‌اند. در میان روش‌های ترجمه، روش لفظ‌به‌لفظ، مناسب ترجمه‌ی تضمین نیست؛ بلکه روش معنایی و آزاد مفید است. دلیل این امر به اختصار این است که در ترجمه‌ی لفظ‌به‌لفظ و امین تأکید بر ادای معنای لفظ و کلمه‌ی ظاهری آیه است و به معنای تضمینی که در پس این لفظ وجود دارد، توجه نمی‌شود. ترجمه‌ی تفسیری نیز با اینکه این نقص را در قالب عبارات داخل پرائتز تاحدی جبران می‌کند، اما دلیلی بر این که عبارت داخل پرائتز ناظر به معنای تضمینی است، وجود ندارد و اصولاً قراردادن معنای تضمینی در پرائتز، صحیح به نظر نمی‌رسد.

منابع

الف) عربی

*- قرآن کریم

۱. الأخفش، سعید بن مسعدة، (۱۴۱۱ق، ۱۹۹۰م)، معانی القرآن، تحقیق: الدكتور هدی محمود قراعة، القاهرة، مكتبة الخانجي.

روش شناسی ترجمه‌ی تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر... علی حاجی‌خانی و توحید پاشایی

۲. ابی حیان الاندلسی، محمد بن یوسف، (۱۴۲۲ق، ۲۰۰۱م)، تفسیر البحر المحیط، دراسة و تحقیق و تعلیق: الشیخ عادل احمد عبدالموجود و الشیخ علی محمد معوض، دارالکتب العلمیة، بیروت.
۳. ابن جنی، ابوالفتح عثمان، (۱۴۲۹ق، ۲۰۰۸م)، الخصائص، تحقیق: الدكتور عبدالحمید هنداوی، دارالکتب العلمیة: بیروت.
۴. ابن الشجرى، (بی‌تا)، آمالی، تحقیق الدكتور محمود محمد الطناحی، مصر: مكتبة الخانجي.
۵. ابن هشام الانصاری، جمال‌الدین، (۱۳۷۸ش)، مغنی اللیب عن کتب الاعراب، حققه و علق علیه الدكتور مازن المبارك و محمد علی حمدالله، مؤسسة الصادق، تهران.
۶. التفتازانی، سعدالدین، (۱۳۸۴ش، ۱۴۲۸ق)، الشرح المختصر علی تلخیص المفتاح، انتشارات اسماعیلیان: قم.
۷. الحائری، عبدالکریم، (۱۴۱۸ق)، درر الفوائد، تحقیق: آية الله الشيخ محمد المؤمن، مؤسسة النشر الاسلامی: قم.
۸. الحسيني الطهراني، السيد هاشم، (۱۳۶۲ش، ۱۴۰۴ق)، علوم العربية، تهران، انتشارات المفید.
۹. الحسيني الكفوي، ابوالبقاء ايوب بن موسى، (۱۴۱۳ق، ۱۹۹۳م)، الكليات، تحقیق: عدنان درويش و محمد المصري، مؤسسة الرسالة: بیروت.
۱۰. حسن، عباس، (بی‌تا)، النحو الوافی، انتشارات ناصر خسرو: تهران.
۱۱. الدرويش، محی‌الدین، (۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، دمشق و بیروت، دارالیمامة؛ دار ابن کثیر.
۱۲. الدسوقي، مصطفى محمد عرفة، (۱۴۲۸ق، ۲۰۰۷م)، حاشية الدسوقي علی مغنی اللیب عن کتب الاعراب، ضبطه و صححه و وضع هواشیه: عبدالسلام محمد أمين، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۳. الراغب الاصفهانی، (۱۴۲۶ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، طلیعة النور: قم.
۱۴. الزجاج، السری بن سهل، (۱۳۷۴ش، ۱۴۱۶ق)، اعراب القرآن، المنسوب الی الزجاج، تحقیق و دراسة: ابراهیم الاياری، قم، دارالتفسیر.
۱۵. الزركشي، محمد بن مجادر، (بی‌تا)، البرهان فی علوم القرآن.
۱۶. الزرخشری، محمود، (بی‌تا)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل، مصر: مكتبة مصطفى البابي الحلبي.
۱۷. السبحانی، جعفر، (۱۳۸۱ش، ۱۴۲۳ق)، تهذیب الاصول تقرير ابحاث الاستاذ الاعظم و العلامة الافخم آية-الله العظمی السيد روح‌الله الموسوی الامام الخمينی، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.

١٨. السمين الحلبى، احمد بن يوسف، (١٤٠٧ق، ١٩٨٧م)، الدر المصون فى علوم الكتاب المكنون، احمد بن يوسف، دارالقلم: دمشق.
١٩. السيوطى، جلال الدين، (١٤٢١ق، ٢٠٠١م)، الاتقان فى علوم القرآن، حققه و علق عليه و خرج احاديثه فواز احمد زمردى، بيروت، دارالكتاب العربى.
٢٠. الشيرازى البيضاوى، ناصرالدين ابى سعيد عبدالله بن عمر بن محمد، (١٤٢١ق، ٢٠٠٠م)، تفسير البيضاوى المسمى انوار التنزيل و اسرار التأويل، حققه و علق عليه و خرج احاديثه و ضبط نصه: محمد صبحى بن حسن خلاق و محمود احمد الاطرش، دارالرشيد و مؤسسة الايمان: دمشق و بيروت.
٢١. صافى، محمود، (١٤١٨ق، ١٩٩٨م)، الجدول فى اعراب القرآن و صرفه و بيانه، دمشق و بيروت، دارالرشيد؛ مؤسسة الايمان.
٢٢. صالح، بخت عبدالواحد، (١٤١٨ق، ١٩٩٨م)، الاعراب المفصل لكتاب الله المرتل، بيروت، دارالفكر.
٢٣. الطريحي، فخرالدين، (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، تحقيق: السيد احمد الحسينى، انتشارات مرتضى، تهران.
٢٤. الطوسى، أبوجعفر محمد بن الحسن، (بى تا)، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق: احمد حبيب قصير العاملى، داراحياء التراث العربى، بيروت.
٢٥. الفاضل، محمد نديم، (١٤٢٦ق، ٢٠٠٥م)، التضمن النحوى فى القرآن الكريم، دارالزمان: المدينة المنورة.
٢٦. الفراهيدى، خليل بن احمد، (١٣٧٥ش)، ترتيب كتاب العين، تحقيق: ابراهيم السامرائى، مهدى المخزومى، تهران، انتشارات اسوه.
٢٧. الملقى، احمد بن عبدالنور، (بى تا)، رصف المباني فى شرح حروف المعانى، تحقيق: احمد محمد الخراط، جمع اللغة العربية، دمشق.
٢٨. المصطفوى، حسن، (١٣٦٨ش)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى.
٢٩. يعقوب، اميل بديع، (٢٠٠٦م)، موسوعة علوم اللغة العربية، دارالكتب العلمية: بيروت.

ب) فارسى

٣٠. آيتى، عبدالمحمد، (١٣٧٤ش)، ترجمه قرآن، انتشارات سروش: تهران.
٣١. الهى قمشهائى، مهدى، (١٣٨٠ش)، ترجمه قرآن، انتشارات فاطمه الزهراء: قم.
٣٢. جواهرى، سيدمحمدحسن، (١٣٨٩ش)، درسنامه ترجمه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: قم.
٣٣. صفارزاده، طاهره، (١٣٨٠ش)، ترجمه قرآن، انتشارات جهان رايانه كوثر: تهران.

۳۴. فولادوند، محمدمهدی، (۱۴۱۵ق)، ترجمه‌ی قرآن، دارالقرآن الکریم: تهران.
۳۵. معزی، محمدکاظم، (۱۳۷۲ش)، ترجمه‌ی قرآن، انتشارات اسوه: قم.
۳۶. ماسینیون، لویی، (۱۹۳۴-۱۹۳۵م)، مجله‌ی مجمع اللغة العربیة، القاهرة.
۳۷. المغربی، عبدالقادر، (۱۹۵۱م، ۱۳۷۰ق)، «کلمة فی التضمین»، مجله‌ی مجمع اللغة العربیة، دمشق، ۴۷۶-۴۷۷.
۳۸. استاد ولی، حسین، (۱۳۷۴)، «درباره‌ی تضمین و نقش آن در ترجمه‌ی قرآن کریم»، بینات، تهران، ۱۴۳-۱۴۷.
۳۹. شفیق آملی، محمدهادی، (۱۳۷۴)، «تضمین و نقش آن در ترجمه‌ی قرآن کریم»، بینات، تهران، ۷۳-۷۵.

التضمين النحوي و دراسته في الترجمات المعاصرة للقرآن الكريم

علي حاجي خاني^١، توحيد پاشاني^٢

١- أستاذ مساعد في قسم العلوم القرآنية و الحديث بجامعة تربيت مدرس

٢- طالب الدكتوراه في قسم العلوم القرآنية و الحديث بجامعة تربيت مدرس

ali.hajikhani@modares.ac.ir

ملخص:

نزل القرآن الكريم باللغة العربية لهداية الجن والانس و إنّ من لوازم هذه الهداية فهم الآيات القرآنية فهماً دقيقاً. لاشك أنّ ترجمة الآيات القرآنية تضع المترجمين أمام صعوبات شتى وذلك بسبب الدقائق المختلفة الكامنة في لغة الوحي من صرفية ونحوية وبلاغية... ومن المواضيع المهمة في هذا المضمار مراعاة موضع التضمن الذي كثر استخدامه في القرآن الكريم ومن المعروف أنّ لهذه الكلمة مفاهيم متعددة، لكن المراد به هنا هو التضمن النحوي، بمعنى استخدام لفظة واحدة في معنى لفظتين مختلفتين. تحاول هذه العجالة التدقيق في معنى التضمن و القضايا المتعلقة به ودرسته أيضاً في أشهر الترجمات القرآنية المعاصرة و ما يجب مراعاته فيها. كما أنّ هذه الدراسة تهدف إلى معرفة الترجمات الناجحة في ترجمة التضمن النحوي للقرآن الكريم.

الكلمات الرئيسية: التضمن، الترجمة، القرآن، الحقيقة، المجاز.

Methodology of Translation of Syntax “Tazmin” in Some Contemporary Translations of the Holy Quran

Ali Hājī Khānī^{1*}, Tohid Pashae²

1- Assistant Prof., Quran and Hadith Sciences Dep., Tarbiat Modares University

2- Ph.D. Student of the Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University

ali.hajikhani@modares.ac.ir

Abstract:

The Holy Quran has been descended to guide the Jinn and mankind. One of the necessities of the guidance is comprehension of verses. There are undoubtedly numerous difficulties in front of the translators in translating the verses of Quran, because of different grammar, syntax and eloquence elegances and subtleties. One of these issues is observance of the category, Tazmin, applied much in Quran. Surely this term has several meanings, which is intentioned on syntax Tazmin in this essay. Chief benefit of Tazmin is a word enunciation with the meaning of two words. This quest researches the exact meaning of Tazmin, problems concerning to it, and investigation of the most important contemporary translations and necessities of its translations in the Holy Quran. Additionally, the essay regards the recognition of the most successful method of translation of syntax Tazmin.

Keywords: Tazmin, Translation, Quran, Truth and figurative.